

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No. ۹, Azar ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.3461053548>

Pathology of civil society based on Surah Ma'idah

Abstract

One of the necessities of Quranic research is the systematic discovery of the socio-political and economic implications of the Quran and their application in Islamic political thought and practice. Contrary to the view that the verses of the Qur'an are seen as scattered and unbalanced lines, according to the new discoveries of contemporary Qur'anic scholars, the verses of each surah have a single purpose and a geometric order governs the structure of the suras. Each surah of the Holy Quran has its own structure and structure that has been built with precision, elegance and strength, and the way the verses are arranged in each surah has a reason and wisdom that is to fulfill a purpose in that surah. The remaining surah, which is also called contracts and critics, is the fifth surah of the Holy Quran in its current order. This surah has ۱۲۰ verses, two thousand eight hundred and four (۲۸۰۶) words and eleven thousand seven hundred and thirty three (۱۱۷۳۳) letters and except for the third verse which was revealed in the farewell pilgrimage, the rest of the verses were revealed in Medina. The purpose of this research is the pathology of civil society based on Surah Ma'idah. This surah contains a series of religious rules and duties and a set of doctrinal and moral teachings.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۱، صص ۱۶۴۸-۱۶۳۴
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.346105.3548>

آسیب شناسی جامعه ی مدنی با تکیه بر سوره مائده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

علی سعیدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

چکیده

از ضرورت های قرآن پژوهی کشف نظام مند دلالت های سیاسی اجتماعی و اقتصادی قرآن و بکارگیری آنها در نظام و عمل سیاسی اسلامی است. بر خلاف دیدگاهی که آیات قرآن را همچون خطوطی پراکنده و ناموزون می بیند، بر اساس کاوش های جدید قرآن پژوهان معاصر، آیات هر سوره غرض واحدی را در پی می گیرد و نظمی هندسی بر ساختار سوره ها حاکم است. هر سوره از قرآن کریم ساختمان و ساختاری مخصوص به خود دارد که با دقت و ظرافت و استحکام بنا شده است و نحوه چینش آیات در هر سوره دلیل و حکمتی دارد که برای برآورده شدن هدفی در آن سوره است. سوره مائده که به نام های عقود و المنقدها نیز خوانده می شود، در ترتیب فعلی قرآن پنجمین سوره قرآن کریم است. هدف این پژوهش آسیب شناسی جامعه ی مدنی با تکیه بر سوره مائده می باشد. این سوره دربرگیرنده یک سلسله احکام و فرائض دینی و مجموعه ای از معارف اعتقادی و اخلاقی می باشد که با توجه به آیات سوره مائده روشن گردید که همه هستی و هر آنچه که در آن هست ملک الهی بوده و در اختیار اوست. بنابراین همه جا حوزه قدرت الهی بوده و همه هستی تحت قدرت مطلق پروردگار قرار دارد و او مالک بر هستی و هر آنچه که در آسمان و زمین است می باشد. و هر گونه که بخواهد قادر است بر ملک خویش فرمانروایی نموده و نمایندگانی را برای این امر به سوی مردم گسیل دارد. یکی از عهد و پیمان های سیاسی خداوند نسبت به انسانها این است که حاکمیت سیاسی خداوند را پذیرفته و به آن احترام گذارند و در برابر رسولان و نمایندگان الهی، گردن کشی و مخالفت ننمایند؛ چرا که تنها فرمانروای مطلق زمین و آسمان خداوند متعال است و همه هستی در اختیار اوست. و می تواند هر کسی را که می خواهد به عنوان نماینده خویش در زمین قرار دهد. همانطور که خداوند متعال، به طور عام همه انسانها را به عنوان خلیفه خویش در زمین معرفی کرده، برخی از اولیای خاص خویش را نیز با عنوان رسول و پیامبر و امام در میان مردم فرستاده تا احکام الهی را به مردم ابلاغ نمایند و دستورات الهی را بر روی زمین اجرا کنند. خضوع و فرمانبری از حاکمیت الهی و اطاعت از آن، به عنوان یکی از مهم ترین پیمان های الهی با انسانها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است.

کلید واژه ها: آسیب شناسی - جامعه مدنی - سوره مائده - قرآن کریم

^۱ دکتری قرآن و حدیث، مدرس گروه معارف، دانشگاه خاتم الانبیا(ص)، تهران

قرآن کریم به عنوان آخرین راهنمای مکتوب الهی، علاوه بر مسائل اعتقادی و احکام فردی، به مسائل حقوقی، اجتماعی و سیاسی نیز اهتمام ویژه ای دارد. از مهم ترین چالش های انسان معاصر در عرصه ی اندیشه و عمل معضلات اجتماعی و سیاسی است. و کشورهای مسلمان عمدتاً دچار فقر نظری و عملی در زمینه های سیاسی و اجتماعی بوده و به ناچار برای تعطیل نماندن امور جاری کشور، دست به دامان نظریه ها و الگوهای غیر بومی و غیر اسلامی شده اند که مشکلات زیادی را برای آنها به همراه داشته است. در حالی که قرآن کریم به عنوان کتاب جامع هدایت، سند معتبر و مورد وثوق همه مسلمانان و جمیع فرق و نحله های اسلامی، دارای پاسخ و راهکار مناسبی برای مسایل سیاسی و اجتماعی است. سوره مائده که به نام های عقود و المنقدها نیز خوانده می شود، در ترتیب فعلی قرآن پنجمین سوره قرآن کریم است. این سوره دارای ۱۲۰ آیه، دو هزار و هشتصد و چهار (۲۸۰۴) کلمه و یازده هزار و هفتصد و سی سه (۱۱۷۳۳) حرف است و بجز آیه سوم آن که در حجه الوداع نازل شده، باقی آیات در مدینه نازل شده است.

یکی از مبانی اصولی در گرایش سیاسی در سوره مائده، تفکیک ناپذیری سیاست از دین، اصالت دیانت و پیروی سیاست از دیانت است. تفسیر ساختاری قرآن کریم از رویکردهای نوین تفسیری به شمار می آید که بر نگرش جامع گرایانه بر معانی سوره ها استوار است. آنچه سبب مظلومیت قرآن در میان سیاست ورزان و اندیشمندان سیاسی گردیده، میان رشته ای بودن سیاست قرآنی و حساسیت فوق العاده هر دو عرصه سیاست و قرآن کریم است. به گونه ای که مفسران و متخصصان علوم قرآنی از ورود در عرصه سیاست و قدرت هراسناکند و اندیشمندان سیاسی به علت عدم آشنایی با علوم قرآن و تفسیر و حساسیت دین و وحی الهی ترجیح داده اند ورود علمی و عمیق به مباحث قرآنی را واگذارند.

در واحدهای نزول سوره توبه، شاهد فضای متشنج جامعه ی مدنی در اواخر سال نهم و دهم هجری می باشیم. وضعیت مزبور برگرفته از عقاید جاهلی، توطئه، لجاجت، روحیه استکباری و دنیازدگی اهل کتاب، مشرکان، منافقان و تأثیر پذیری مریض القلب ها از آنان می باشد؛ چرا که بعد از فتح مکه، تلاش های مضاعفی از ناحیه ی مشرکان، اهل کتاب و منافقان برای بایکوت ساختن پیامبر (ص) و برنامه های اسلام صورت پذیرفت؛ به صورتی که بیشترین تأثیر را بر گروه مریض القلب وارد آورد و باعث تیره گون شدن چهره جامعه ی اسلامی گردید. ساماندهی به آن وضعیت بحرانی، مرهون قطع ارتباط مسلمانان با مشرکین قریش و اخذ جزیه از یهود مکه و مدینه می باشد؛ استراتژی بی نظیری که منجر به اقتدار اقتصادی و اجتماعی جامعه ی اسلامی گردید. در سال دهم هجری همزمان با نزول واحدهای سوره مائده با تثبیت آرامش در جامعه ی اسلامی و حفظ اقتدار آن، منعی از ارتباط مسلمانان با مشرکان وجود ندارد؛ به صورتی که مشرکان می توانند با رعایت فرامین اسلامی به محل سکونت خود مراجعه و با مسالمت آمیزی کامل در لوای اسلام زندگی کنند (مائده: ۲). با تثبیت ضعف و فشل مشرکان، مسلمانان و مریض القلب ها باید مراقب باشند احکام الهی و پیمان های آن به طور کامل اجرا گردد. و بدانند که مشرکان در این بازه ی زمانی کمترین قدرتی ندارند و امروز دین غالب، اسلام است (مائده: ۳). بنابراین مسلمانان هیچ ترسی از مشرکان نداشته باشند و در رعایت دقیق دستورات قرآن سعی باشند. همگرا با فشل مشرکان، اهل کتاب نیز با پرداخت

جزیه به حکومت اسلامی، اقتدارشان دچار سستی و ضعف گردید و منطبق با این ضعف، توانایی چندانی برای آفرینش مشکلات جدید نداشتند. با پذیرفتن این انحطاط در اجتماع اهل کتاب، منعی بر مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی نیست که با اهل کتاب نیز ارتباط حکیمانه برقرار سازند و از غذاهایشان بخورند (مائده: ۵).

با برگشت آرامش و تثبیت اقتدار جامعه‌ی اسلامی، مسلمانان باید در بین مشرکان به داد و عدل حکم کنند و نباید به یاد دشمنی‌های گذشته، در قضاوت‌ها یا خود دچار بی‌تقوایی شوند (مائده: ۸). باید گفت این آیه یکی از رحمانی‌ترین آیاتی است، که مبتنی بر آن، مسلمانان حق وارد آوردن کوچکترین ضربه‌ای جهت انتقام از مشرکان را ندارند؛ بدین صورت تا زمانی که مشرکان، مشکلات و آزارهایی برای حکومت اسلامی در پی نداشته باشند، می‌توانند در جامعه‌ی اسلامی با رعایت مسالمت زندگی کنند. همانطور که قرآن در گذشته با یادآوری خیانت‌ها و دشمنی‌های مشرکان، از مسلمانان تقاضای انتقام و دفاع مشروع از فرامین را داشته و از هرگونه ارتباط دوستی با آنان پرهیز داشته که این واکنش منجر به شکل‌گیری سه‌جنگ مهم و فرسایشی: بدر، احد و احزاب گردید. اما بعد از فتح مکه، در اواخر سال هشتم هجری با دست برداشتن مشرکان از اعمال شنیع خود، اسلام به عنوان دین رحمت و عقلانیت، مبتنی بر فائده‌مسالمت، دستور تعامل با آنان را صادر گردانید. سید قطب نیز در ذیل آیات مزبور می‌گوید: «قرآن در سوره‌ی مائده بر قلب پیامبر نازل گردید تا امت به نور آن زنده شود و اجتماع، نظم و سامان پیدا کند و باطن، اخلاق و عقول انسان‌ها به آن پرورش یابد. روابط بین اجتماع دارای حد و مرز گردد و این حدود با سایر دولت‌ها نیز مشخص شود» (۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۸۲۵).

ماحصل کلام این که سیاق کلی سوره‌ی مائده متضمن ولایت و احکام شرعیه است که متعلق به حلال و حرام از صید و ذبح است. در سال دهم هجری همزمان با تثبیت اقتدار و امنیت در جامعه‌ی اسلامی، تأثیر عمیق توطئه‌های اهل کتاب و فرافکنی‌های منافقان در جریان تبوک، در قلوب برخی از مسلمانان و مریض‌القلب‌ها ملموس است؛ به صورتی که قرآن از ایمان‌آوردندگان و مریض‌القلب‌ها می‌خواهد قدر نعمت امنیت و بزرگی را که اسلام در سایه‌ی نیروی ولایت و نبوت برای آن‌ها به ارمغان آورده را ارج بگذارند. و در سایه ولایت، به احکام اسلامی که باعث سعادت دنیا و آخرت آن‌هاست، عمل نمایند (مائده: ۱۱).

با توجه به این که نظام سیاسی خاصی در قرآن بر اساس سیادت و فرمانروایی مطلق الهی طرح گردیده است لذا بر آنیم با بهره‌مندی از جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و علوم قرآنی به استخراج مفاهیم سیاسی و اجتماعی از آیات قرآنی بپردازیم. سوره مائده از جمله آخرین سوره‌های قرآن در ترتیب نزولی آن به شمار می‌آید و در برگیرنده آخرین توصیه‌های الهی در ابعاد سیاسی و اجتماعی است. بنابراین ما در این پژوهش در صدد هستیم تا با استفاده از روش تحلیل مضمونی ساختاری، مضمون محوری سوره مائده را بدست آورده و چگونگی ارتباط آن با سایر مضامین سیاسی سوره را بیان نماییم. بنابراین با ابتناء به این موضوع در ادامه بررسی پرسش‌های ذیل را از نظر خواهیم گذراند:

- مهمترین آسیب حاکم بر جامعه‌ی مدنی در زمان نزول سوره مائده چیست؟
- مضامین اساسی و محوری سوره مائده چیست؟

- دلالت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوره مائده با مضمون محوری سوره چگونه صورت بندی می شود؟

۱. فضای نزول سوره مائده

در سرآغاز سوره مائده بدون هیچ مقدمه ای، اصحاب و مریض القلب ها به وفای عهد، دعوت می شوند؛ گرچه ظاهراً آیه دعوت به یک موضوع کلی می نماید، اما نمی توان ارتباط این موضوع را با اوضاع زمان نزول آیات و شیوع پیمان شکنی در میان اصحاب نادیده گرفت. آن چه این مفهوم را تقویت می کند، آن است که در ادامه ی سوره و در چندین موضع یکی از مشکلات رایج در بین یهودیان را به پیمان شکنی با پیامبران معطوف می داند؛ پیمان شکنی که محصول ایمان ظاهری آنان و عملکردهای منفی شان می باشد (مائده: ۱۲). علاوه بر بنی اسرائیل، نصارا نیز پیمان های خود با خداوند را نادیده گرفته و به همین دلیل دچار دشمنی و کینه شدند (مائده: ۱۴).

پیش از اسلام، زعامت و پیشوایی عرب، از آن قریشیان بود و چون مکه فتح شد و قریش خود را در مقابله با اسلام و پیامبر (ص) ناتوان دید، تسلیم پیامبرش شد و به دنبال سایر مردم حجاز نیز خود را تسلیم کرده و فوج فوج به اسلام گرویدند (ابن هشام، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۲۰۵). از آیه «فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی آن تصیینا دائره» (مائده: ۵۲) که منطبق بر مریض القلب هاست، می توان فضای سیاسی حاکم بر مدینه در زمان نزول سوره را تا اندازه ای به دست آورد: نظام اسلامی در مدینه مستقر شده بود و مسئولان دینی در تثبیت و تقویت آن می کوشیدند و منافقان داخلی و اقلیت های غیرموحد، احساس ناامنی می کردند و با مشرکان در خارج، روابطی داشتند تا در صورت شکست اسلام، راهی برای نجات خود داشته باشند. مشرکان نیز در بیرون مدینه در پی براندازی نظام اسلامی بودند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۴۹۰). این افراد متناسب ترین زمان را، بعد از رحلت پیامبر می دانستند. در نتیجه تلاش های عملی پیامبر در اواخر عمرشان در این جهت بود که اسلام را به سنت زوال ناپذیر الهی یعنی ولایت پیوند بزنند، به همین دلیل با بیان های مختلف در حدیث وزارت (صدوق، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۶۳)، منزلت (کلینی، ۱۳۶۹ش، ج ۸، ص ۱۰۷؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۴)، طیرمشوی و وزارت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۸، ص ۳۵۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۱۶۷) و... به این کار پرداخت، باز در حجه الوداع و در غدیر خم آن را گوشزد نمود و با صراحت تمام همگونی قرآن و عترت را بیان کرد.

بنابراین ترس پیامبر از عدم پذیرش ولایت امیر المومنان (ع)، از آلودگی فضای سیاسی آن زمان و تأثیرپذیری مریض القلب ها از آن وضعیت حکایت دارد، به گونه ای که پیامبر (ص) با همه شهامتی که داشت تا دستور ضمانت الهی را در آیه «والله یعصمک من الناس» (مائده: ۶۷)، دریافت نکرد، امر ولایت را با مردم در میان نگذاشت. در سوره مائده خداوند بیان می کند که مسلمانان همچون اهل کتاب، تعطیل و تغییر در حکم و حاکم الهی ندهند و به عهد الهی ولایت پایبند باشند. بنابراین فضای نزول سوره مائده حاکی از غرض اصلی سوره است که همان پایبندی به عهد ولایت می باشد.

واژگان مهم این سوره شامل: ولایت، تقوی، فسق و حکم «بما انزل الله» می باشد (بازرگان، ۱۳۷۲ش، ج ۱، صص ۱۲۳ - ۱۲۴). رابطه معناداری بین این کلمات و محور اصلی سوره که ولایت است، به نظر می رسد؛ زیرا پذیرش ولایت در سایه تقوای الهی صورت می گیرد و مستلزم دوری از فسق و گردن نهادن به فرامینی است که خدا نازل نموده است.

۳. یادآوری میثاق

«واذكروا نعمة الله عليكم و ميثاقه الذي و اتفقكم به إذ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (مائده: ۷). سوره در نخستین آیه، دعوت به وفای عهد می کند و در آیات دیگر نیز چندین بار بر این موضوع تأکید می کند. در این جا از مسلمین می خواهد که میثاق شان را به یاد آورند و با یادآوری تقوا و این که خداوند بر دل ها نیز اشراف دارد، در واقع آنان را از نقض پیمان برحذر می دارد. در آیه سوم از ولایت به عنوان اتمام نعمت یاد شده است. در این جا نیز از آن به نعمت تعبیر می شود. در تفسیر قمی ذیل این آیه از امام صادق (ع) می خوانیم: «واذكروا نعمة الله عليكم و ميثاقه الذي و اتفقكم به إذ قُلْتُمْ سَمِعْنَا...». «قال كما أخذ رسول الله (ص) الميثاق عليهم بالولاية. قالوا سمعنا و أطعنا ثم نقضوا ميثاقه» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۶۳)؛ هنگامی که رسول خدا از آنان به ولایت پیمان گرفت، گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. سپس پیمان خود را شکستند.

۴. آیات ۱۵ تا ۲۶

«يا أهل الكتاب قد جاءكم رسولنا بيبين لكم كثيراً مما كنتم تخفون من الكتاب و يغفوا عن كثير قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين» (مائده: ۱۵)؛ «يهدى به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام و يخرجهم من الظلمات إلى النور بإذنه و يهديهم إلى صراط مستقيم» (مائده: ۱۶)؛ «لقد كفر الذين قالوا إن الله هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئاً إن أراد أن يهلك المسيح ابن مريم و أمه و من في الأرض جميعاً و لله ملك السموات و الأرض و ما بينهما يخلق ما يشاء و الله على كل شيء قدير» (مائده: ۱۷)؛ «و قالت اليهود و النصارى نحن أبناء الله و أحباؤه قل فلم يعدبكم بذنوبكم بل أنتم بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء و يعدب من يشاء و لله ملك السموات و الأرض و ما بينهما و إليه المصير» (مائده: ۱۸)؛ «يا أهل الكتاب قد جاءكم رسولنا بيبين لكم على فترة من الرسل أن تقولوا ما جاءنا من بشير و لا نذير فقد جاءكم بشير و نذير و الله على كل شيء قدير» (مائده: ۱۹ الی ۲۶).

آیات ۱ تا ۱۴ با خطاب به مؤمنان آغاز شد ولی در این کلام اهل کتاب مخاطب می باشد و از نظر محتوایی بیان کارشکنی های عملی که از اهل کتاب انجام شده، اشاره دارد و حال آن که ظاهر محتوا در بیان وفای به عقود است. در نداء الهی آیه ۱۵ که خطاب به اهل کتاب است، خداوند آنان را به اسلام دعوت نموده است (سیدقطب، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۶). سپس در آیه ۱۶ پذیرش پیامبر و کتابش را باعث رسیدن به هدایت الهی معرفی می کند. آیه ۱۷ مطرح می کند که اهل کتاب، درباره اصول اعتقادی نیز پیمان شکستند؛ چون به تثلیث، الوهیت عیسی و ابن الله بودن او معتقد شدند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۲، ص ۱۹۸). آیه ۱۸ به نفی ثبوت تشریفی یهود و نصارا و بطلان داعیه

قرب و محبت آنان نزد خدا می پردازد (همو). دومین خطاب به اهل کتاب و متمم محاوره اول در آیه ۱۵ است (همو). در آیه ۱۹ می فرماید: «آن تبیین پیغمبر (ص) برای اتمام حجت بر اهل کتاب است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۴۳). آیات ۲۰ تا ۲۶ به بیان شمه ای از تاریخ بنی اسرائیل می پردازد که چگونه مخالفت شان با پروردگار سبب شد که چهل سال در بیابان سرگردان بمانند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۸۱). بنابراین غرض این آیات این گونه می باشد: دعوت اهل کتاب به رسالت رسول خدا (ص) و تبعیت از هدایت ایشان به عنوان اتمام حجت و هشدار نسبت به مخالفت با آن حضرت و بیان آثار سوء پیمان شکنی گذشتگان.

۵. خیانت های مکرر

«فَبِمَا نَقْضُهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۱۳).

در آیات قبل، خداوند به برخی از مشکلات و نکات منفی یهودیان اشاره داشته است و در این آیه بر پیمان شکنی و انحراف گر بودن آن ها تأکید می کند. و این که آنان تحریف کننده ی کلام وحی نیز هستند. این که چرا باید در این مقطع زمانی و در این سوره از یهودیان و نکات منفی آن ها یاد شود، خود نکته مهمی است که در آیات بعد روشن خواهد شد؛ در این آیه خداوند به روشنی از خیانت های مکرر افرادی در عصر رسول خدا یاد می کند که غالب مفسران، به قرینه آغاز آیه، مرجع ضمیر در «منهم» را یهودیان دانسته اند و خیانت های ذکر شده در این سوره را به آن ها نسبت داده اند؛ اما اگر کمی بیشتر دقت کنیم می بینیم خداوند از رسولش می خواهد که این خیانت کاران را عفو کند. آیا منطقی است که خیانت کاران یهود که هم کافرنند، هم معاند و هم خائن، عفو شوند؟ احتمال دیگری که به ذهن می رسد آن است که این خیانت کاران دست آموزان یهودیان از میان مسلمانان باشند که درس پیمان شکنی با پیامبران را از یهودیان آموخته اند. واژه خیانت بیشتر در مورد دوستان مصداق دارد تا در مورد کسانی که از آغاز در جبهه دشمن قرار گرفته اند و در خط مقابل ایستاده اند؛ البته با توجه به آیات بعد این سوره که از همکاری نزدیک اصحاب با یهودیان خبر می دهد، اگر خائنان رایهودیان بدانیم و خیانت آنها را فریفتن مسلمین و منافق کردن آنها بدانیم، باز هم شاهی بر بحث ما خواهد بود.

۶. تهدید مخالفان

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَرُؤُوسُهُمْ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعُ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳).

بعد از تذکر به مخالفان و منافقان و ارشاد آنان برای کسانی که از لحن نرم درس نمی گیرند، از زبان تهدید نیز استفاده می شود، با توجه به این که در این زمان ظاهراً پیامبر (ص) دشمن نظامی بیرونی ندارد، باید گفت کسانی در این آیه به عنوان محارب با خدا و رسول او یاد شده اند که در بین همین مسلمین و اصحاب رسول خدا هستند؛ یعنی همان منافقان که در زمین فساد می گسترانند. و خداوند مجازات سنگین دنیایی و عذاب عظیم اخروی را برایشان در نظر گرفته است. «المنافق إذا حدث عن الله وعن رسوله كذب، وإذا وعد الله ورسوله أخلف. وإذا ملك خان الله ورسوله في ماله» (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۵۲). منافق زمانی که از خدا و رسول خبر دهد، دروغ می

گوید و هنگامی که با خدا و رسول او وعده کند تخلف می کند و زمانی که مالک اموال شود، در مال خود به خدا و رسول خیانت می کند. به همین شکل آنها در ادای سوگند نیز به دروغ سوگند می خورند و سوگند آنها بدان جهت بود که مؤمنین را نسبت به خود خوشبین کنند و از گزند آنها جان خود را حفظ کنند و در حقیقت سوگند در نزد آنها همانند سپری برای محافظت جانشان بود: «اتخذوا ایمانهم جنه».

۷. آیات ۴۱ تا ۸۶

آیات این قسمت به چهار بخش به شرح ذیل تقسیم می شود: ۱- آیات ۴۱ تا ۵۴؛ ۲- آیات ۵۵ تا ۵۸؛ ۳- آیات ۵۹ تا ۶۹؛ آیات ۷۰ تا ۸۶. در این قسمت خطاب از اهل کتاب به پیغمبر (ص) عوض شده و این خطاب در آیه ۶۷ نیز تکرار شده است. در بخش قبل محور بحث، وفای به عهد نسبت به حکم و حاکم بود و در این بخش محور بحث، ولایت پذیری می باشد. در بند پایانی آیات این قسمت هر چند بحث حکم مطرح شده و متناسب با قبل می باشد ولی این حکم، حکم ولایی و قضایی است و با حکم قبل در بخش قبل فرق دارد.

۷-۱. آیات ۴۱ تا ۵۰

اتصال آیات ۴۲ و ۴۳ به آیه ۴۱ روشن است. آیه ۴۴ به منزله تعلیل نسبت به آیه قبل است. آیات ۴۵ و ۴۶ عطف به آیه ۴۴ شده اند. همچنین بقیه آیات نیز به وسیله او و به یکدیگر عطف گردیده اند به جز آیه ۵۰ که استفهام و فاء تفریع آن نشان می دهد که نتیجه آیه ۴۹ است. بنابراین ارتباط آیات کاملاً واضح است. آیه ۴۱ سرفصل آیات ده گانه ی بعد است که درباره یهود خیبر و فتنه انگیزی آنان سخن می گوید و تحلیل سیاسی و اجتماعی گردهمایی هایی در مخالفت با پیامبر (ص) را می نماید. آیات ۴۱ تا ۴۳ افشای توطئه ی یهودیان و منافقان؛ آیات ۴۴ تا ۴۷ تبیین و شرح وظایف یهودیان و مسیحیان و آیات ۴۸ تا ۵۰ وظایف پیامبر (ص) در مقابل توطئه را بیان می کند. (همانطور که در آیه ۲ به توطئه ی مشرکان در صلح حدیبیه در جلوگیری مسلمانان از رسیدن به مکه تأیید دارد، در این آیه به حوادث بعد از صلح حدیبیه یعنی جنگ با یهودیان خیبر اشاره دارد تا تأکیدی بر این مهم باشد که در رخداد حوادث پیش آمده برای پیامبر و جامعه ی اسلامی، یهود در کنار مشرکان در صفوف اول فتنه قرار داشته و بعضاً طرح های راهبردی مشرکین را یهودیان رهبری می کردند، بنابراین بر جامعه ی اسلامی واجب است که از یهود دوری گزیده و پیرو خط مستقیم ولایت باشند تا جامعه ای عاری از هرگونه فساد و کنش منفی را تجربه گر باشند).

خداوند متعال چون بعضی از تکالیف را در آیات پیشین بیان کرد و می دانست که بعضی از مردم شتابان به آن ها کفر می ورزند، پیامبرش را به صبر و تحمل سفارش می کند و به وی فرمان داد که اندوهگین نشود (فخررازی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۷). از سیاق آیات بر می آید که در آن میان طائفه ای از منافقان بودند که به هر طرف که اهل کتاب مایل می شدند آنان نیز متمایل می شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۳۹)، لذا در این ده آیه، مسئله حکم و ما انزل الله موج می زند.

در بحث توطئه، ضلع اصلی منافقان هستند. جریان بعد از حضرت رسول، همین جریان منافقان این آیات است و لذا حضرت فاطمه (ص) آیه ۵۰ را در خطبه فدکیه، در حمایت از ولایت امیرالمؤمنان (ع) قرائت کردند (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۶۷). بنابراین غرض کلام را این گونه می‌شود عنوان کرد: «رفع نگرانی رسول خدا (ص) و دعوت به حکم ولایی و قضایی بر اساس آن چه خدا نازل کرده است و مطرح کردن منافقان و فتنه یهود و بهانه جویی آنان در برابر اجرای احکام الهی»

۸. ولایت، سد راه منافقان

با مرور اجمالی آیات سوره مائده مشاهده می‌شود که در این سوره از زوایای مختلف اوضاع اعتقادی مسلمین و منافقان به تصویر کشیده شده است: (پیمان شکنی می‌کنند)، (با یهود و نصاری روابط حسنه دارند)، (یهودیان را اولیاء خود برگزیده اند)، (پیامبر را همچون حوادث گذشته تکذیب می‌کنند)، (برای یهودیان جاسوسی می‌کنند)، (از یهودیان دستور می‌گیرند)، (پذیرش سخنان پیامبر را در گرو تأیید یهود قرار داده اند)، (در مورد خوراکی‌ها از احکام جاهلی پیروی می‌کنند)، (هنوز برای بتها قربانی می‌کنند)، و مشکلات اعتقادی و اخلاقی فراوان دیگری که در آیات دیگر همین سوره به آن‌ها اشاره شده است.

در این اوضاع نابسامان، عمر رسول خدا نیز رو به اتمام است و تنها یک جانشین الهی می‌تواند مسیر دینی جامعه را مطابق قوانین الهی به پیش ببرد؛ از این رو موضوع ولایت به شکل‌های مختلف در این سوره مطرح می‌شود. بارزترین نمونه‌های آن آیات غدیر و آیه ولایت است. که اگر توجه داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم: اکثریت جامعه آن روز، همچنین اکثر حاضران در غدیر در شمار منافقان بودند؛ همان تعبیری که رسول خدا خود در آغاز خطبه غدیریه تصریح می‌کند: «لعلمی بقله‌المتقین و کثره‌المنافقین؛ پس پر واضح است که اینان در انتقال پیام غدیر به آیندگان و دیگران سستی کنند» (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۷، ص ۲۰۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۴، ص ۱۷۵).

۹. سرعت گرفتن به سوی کفر

«يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاغُونَ لِّلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ يُحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أَوْتَيْتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئٌ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يَرِدِ اللَّهُ أَن يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، تو را غمگین نسازند چه از آنان که با زبان خود گفتند: ایمان آوردیم و حال آن که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود، و چه از یهودیان، به سخنان تو گوش می‌سپارند تا بهانه‌ای برای تکذیب تو بیابند، و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نیامده‌اند، خبرچینی می‌کنند؛ کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند و می‌گویند: اگر این حکم به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید. و خدا هر که را بخواهد به فتنه درافکند. هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید. اینانند که خدا نخواست دل‌هایشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (مائده: ۴۱).

این آیه خبر از گرایش شدید منافقان به سوی کفر دارد، این گرایش آنقدر ریشه دار و عمیق است که رسول خدا محزون شده و خداوند او را دلداری می دهد و از او می خواهد که اندوهگین نباشد. کفری که منافقان بدان گرایش یافته اند چیست؟ با توجه به قرینه هایی که در این سوره وجود دارد مثل قربانی برای بت ها یا ارتباط با یهود و نصاری، می توان گفت که بت پرستی، مسیحیت و یهودیت بارزترین موارد آن است. در این میان گرایش به یهود بیشتر و خطرناکتر است و در این سوره درباره آنان بیشتر صحبت شده و بیشتر هشدار داده شده است. در ادامه خداوند به ایمان نفاق آمیز آنان اشاره می کند که با زبان چیزی را می گویند که در دل بدان ایمان ندارند. و با گوش سپردن دقیق منافقان به سخنان پیامبر (ص) با تعبیر «سماعون» اشاره می شود؛ اما این گوش دادن دقیق برای پذیرش نیست؛ بلکه «للكذب» است یعنی آن ها در سخنان پیامبر (ص) دقیق می شوند، بلکه بهانه و نکته ای برای تکذیب سخنان او بیابند و این فاجعه بزرگی است. تعبیر «سماعون» دوباره تکرار می شود و این بار خبر از جاسوسی منافقان می دهد؛ آنان به سخنان پیامبر با دقت گوش می دهند تا چیزی از قلم نیندازد و بی کم و کاست به سوی کسانی که نزد پیامبر (ص) نیامده اند و متخصص در تحریف هستند، منتقل کنند. آنها سخنان پیامبر را برای اصحاب ارزشگذاری می کنند؛ بخشی را می گویند بپذیرید و بخشی را می گویند نپذیرید. عمق نفاق و فاجعه در همین جاست. این چه ایمان آوردنی است که مسلمانان برای سنجش و پذیرش سخنان پیامبرشان به دشمن او متوسل شوند؟.

۱۰. ولایت یهود

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصاری را اولیاء خود مگیرید که بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید (مائده: ۵۲). خطاب جدید «یا ایها الذین آمنوا» نشانه ای بر جدایی این آیات از ماقبل است. پیوستگی آیات قسمت پنجم به دلیل تکرار خطاب «یا ایها الذین آمنوا» و ارتباط محتوایی واضح حول نهی از اولیاء قرار دادن یهود و نصاری می باشد.

مبرهن است که در سال دهم هجری علیرغم تثبیت قدرت در حکومت اسلامی، آثار حرف شنویی منافقان از اهل کتاب ملموس و خطرناک است؛ به صورتی که مریض القلب ها متأثر از منافقان، با وجود مبارک پیامبر (ص) و امر ولایت، گاهی به سوی اهل کتاب متمایل می گردیدند و شاید بتوان بخش عظیمی از پدیده ی جعل در روایات پیامبر (ص) و اهل بیت را ناشی از آن دانست. و با این گرایش اسباب ظلم به قرآن و پیامبر (ص) را فراهم می ساختند (مائده: ۵۱). مریض القلب ها در تجربیات گذشته نشان دادند که به محض این که در معرض خطر قرار گیرند به سوی منافقان و اهل کتاب می شتابند. با نهادینه شدن این عنصر شوم در قلوب شان، در اواخر حضور پیامبر (ص) نیز قدر نعمت هایی را که از ناحیه ی اسلام بر آن ها وارد شده بود، ندانسته و در موارد حساس از جمله مسئله ی ولایت و جانشینی دچار اضطراب و نگرانی شده و به سمت یاران دیرین خود (اهل کتاب - منافقان)، شتافتند (مائده: ۵۲). در ادامه مؤمنین در قالب سرزنشی زیننده و هشدار دهنده، جهت بیداری قلوب خفته ی مریض القلب ها می گویند: آیا اینان همان کسانی هستند که به خدا سوگند یاد می کردند که با پیامبر (ص)

خواهیم بود. پس در جواب باید گفت: حال که اینگونه نیست اعمال شان دچار حبط و ابطال قرار می‌گیرد (مائده: ۵۳). پیامبر (ص) نیز در این مسیر نباید در مورد مریض القلب‌ها و ارتدادشان دچار ناراحتی و نگرانی شود؛ چرا که نقشه شوم یهود و اذیت‌های مشرکان در مکه نیز عده‌ای از مریض القلب‌های مکه را به ارتداد گرانا داد. در مسئله ولایت و احکام هم اگر متأثر از اهل کتاب و منافقان به ارتداد برگردند، خداوند مردمی را به جای آن‌ها می‌آورد که در مقابل ولایت و دستورالعمل‌های حاکی آن کاملاً فروتن باشند و در برابر کافران سرکش یهود و جبهه‌ی نفاق و در دفاع از دین، با تمام وجود جهاد و تلاش می‌کنند (مائده: ۵۴).

بنابراین در این سوره مکرر از نکات منفی یهودیان یاد شده و در آیات، مسلمین از پذیرش ولایت آنان نهی می‌شوند. درباره‌ی واژه «ولی» سخن بسیار است. بارزترین معانی این واژه سرپرست و دوست است. با توجه به مطالب این سوره درباره‌ی یهودیان و این که مسلمین حتی برای سنجش و پذیرش سخنان پیامبر سراغ یهودیان رفتند و خود را تسلیم سخنان آنان کرده بودند، می‌توان گفت که در اینجا معنی «سرپرست» برای واژه ولی تناسب بیشتری دارد و مسلمین از پذیرش سرپرستی یهودیان نهی شده‌اند؛ هرچند اگر واژه ولی به معنی دوست هم باشد باز خبر از ردالت مریض القلب‌های آن دوره می‌دهد که با چه افراد پستی پیمان دوستی بسته‌اند. راز تأکید بر نهی از گرایش به اهل کتاب، به خاطر پیشگیری از خطرانی است که در اثر روحی به آنان دامنگیر مسلمین می‌شود. نظیر نفوذ سرجون مسیحی در دربار بنی امیه که واقعا کربلا را با حضورش در اتاق جنگ رهبری و هدایت کرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۵۸). در ادامه آیه ۵۳ به بررسی نگاه و منطق مؤمنان درباره اهل کتاب می‌پردازد.

۱۱. آیات ۵۵ تا ۵۸

با تبیین جایگاه اهل کتاب و منافقان، فضای مناسبی جهت بیدارباش دوباره‌ی مریض القلب‌ها فراهم آمد. با فراهم شدن این بستر ولی و سرپرست مؤمنان و مریض القلب‌ها، خداوند و پیامبر (ص) و مؤمنینی هستند که در حین ادای نماز، زکات می‌پردازند. پذیرش این ولایت، برابر است با ایمان حقیقی (مائده: ۵۵). بنابراین آیه ۵۵ به ذکر کسانی که قبول ولایتشان لازم و واجب می‌باشد می‌پردازد (بی‌آزارشیرازی و حجتی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۳۷). آیه ۵۵ ولایت و سرپرستی را منحصر کرد و مصادیق را بیان نمود. سپس در آیه ۵۶ ضمن تشویق به پذیرش اصل ولایت، پذیرندگان آن را از مصادیق حزب الله دانسته است که همواره پیروزند (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۳۷). در آیه ۵۷ با تأکید بیشتر و با اشاره به علت حکم، از دوست گرفتن عموم کافران نهی می‌کند (همو). و این آیه در مقام تحذیر مؤمنان است. مضمون آیه ۵۸ نیز از قبیل ذکر خاص بعد از عام است (جوادی آملی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۳، ص ۱۷۱).

در این دسته از آیات سه آیه ۵۱ و ۵۴ و ۵۷ آیاتی هستند که اصل غرض کلام از آن‌ها به دست می‌آید که هر سه با اسلوب «یاایها الذین آمنوا» آغاز می‌شود و هر سه در واقع حول یک محور می‌گردند که عبارت است از: تحذیر مریض القلب‌ها و هشدار است به مؤمنین جهت دوری از اولیاء قرار دادن اهل کتاب و دعوت به پذیرش اولیای الهی؛ چرا که پیامد این پذیرش را در غزوات مختلف مشاهده نمودیم.

۱۲. آیات ۵۹ تا ۶۹

اهل کتاب جنبشی بود که از روزهای اولیه ظهور اسلام در مکه شروع و تا آخرین سال های حکومت اسلامی پیامبر (ص) با حضور و تحریک خود، بزرگترین مشکلات را با تحریک منافقان و ارتداد بعضی از مریض القلب ها به وجود آوردند. این گروه ها با شکست خود در سال دهم هجری نیز با حرکتی خزننده، با تحریک منافقان و مریض القلب ها وارد فاز جدید فرهنگی و تحریف شدند (مائده: ۵۹). در این آیات تخاطب از مؤمنان عوض شده، و پیامبر (ص) مخاطب این دسته از آیات می باشد؛ البته مخاطب به صورت مستقیم رسول خدا و به طور غیرمستقیم اهل کتاب می باشند. موضوع آیات پیشین عدم اولیاء قرار دادن اهل کتاب بود و مخاطب مسلمانان بودند، ولی در این جا به بیان ویژگی ها و انحرافات فکری و اعتقادی و بیان کارشکنی های اهل کتاب پرداخته می شود. لذا شروع دسته جدیدی از آیات محسوب می شود.

مطالب مطرح شده در آیات این کلام به نوعی به افشاگری عقاید و انحرافات اهل کتاب اشاره دارد و سعادت آنان را در اقامه بدون کم و کاست تورات و انجیل و قرآن بیان می فرماید و آیه ۶۷ اگر چه به صورت جمله معترضه آمده است ولی از نظر محتوا کاملا هماهنگ با غرض کلام است. بنابراین با این ابلاغ، یهود و نصارا باید دریابند که دیگر دوره ولایت و فرمانروایی آنان به سر رسیده و اینک نوبت ولایت و خلافت مسلمانان است و این ولایت و فرمانروایی دیگر به سوی آنان بازنخواهد گشت و حتی بعد از مرگ پیامبر (ص) استقلال و خلافت و فرمانروایی مسلمانان با ولایت و سرپرستی علی (ع) و سایر ائمه تداوم خواهد یافت (بی آزارشیرازی و حجتی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۶۰). بنابراین با خطاب هایی از قبیل «قل یا اهل الکتاب-قل هل انبئکم-یا ایها الرسول» در جهت آماده سازی رسول خدا (ص) و جامعه برای ابلاغ و انتقال و اقامه حکم ولایی در مقابل انتقام گیری و طغیان گری اهل کتاب است.

۱۳. آیات ۷۰ تا ۸۶

اگرچه این آیه ها از نظر خطاب با آیات قبل یکسان دانسته شده اند ولی از آن جا که ارتباط محتوایی مشهود نیست در کلامی جداگانه بررسی می شوند. در آیه ۷۶ «قل أتعبدون» و در آیه «قل یا اهل الکتاب» آمده است و پیامبر در تخاطب با اهل کتاب است. آیه ۷۰ دلیل پایگاه فکری و اعتقادی نداشتن اهل کتاب خصوصا یهود را برای اقامه دین الهی بازگو می کند که همان پیمان شکنی و هوامحوری آنان است که نتیجه اش تکذیب و کشتار انبیای الهی بود. آیه ۷۱ ریشه اعتقادی این هوامداری اهل کتاب بررسی و نقد می شود. آنان خود را برتر از دیگران پنداشته اند، بدین سبب گمان می پنداشتند که عقوبت الهی دامنگیرشان نمی شود و در ارتکاب به هر جنایتی آزادند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۶۷).

آیه ۷۲ پوچی گمان مسیحیان درباره الوهیت حضرت مسیح را اثبات می کند (همو؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۷۱). آیه ۷۳ انحراف از توحید به تثلیث، به عنوان نمونه ای از عدم بصیرت آنان آورده شده است. سپس در آیه ۷۴ راه را برای این باطل گرایان باز گذاشته اند و آنان را به توبه و نهی پذیری تشویق کرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۳، ص ۳۴۹). آیه ۷۵ پندار الوهیت حضرت عیسی (ع) را با آوردن چند دلیل رد می کند و در آیه ۷۶ با خطاب به

همه ی کسانی که غیر او را می پرستند، روشن کرد که غیر خدا هیچ چیزی شایسته الوهیت نیست (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۷۶).

در آیه ۷۷ به اعتقادات باطل مشترک یهود و نصارا اشاره می کند که یکی از آن ها غلو در دین است که دو گونه افراط و تفریط را شامل می گردد. در آیه ۷۸ به دو علت از علل ملعون شدن آن ها که معصیت و تعدی مستمر است، اشاره می کند و آیه ۷۹ علت دیگری برای ملعون شدن را بازگو می کند که نهی پذیر نبودن و تداوم گناهان است.

آیه ۷۹ به نقش مهم نهی از منکر اشاره می کند و آیه ۸۰ بیان وصفی دیگر از اوصاف کافران بنی اسرائیل و در واقع، دلیل چهارم برای لعن آن هاست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۸۲). آیه ۸۱ در ادامه آیه پیشین است و علت مؤمن نبودن اهل کتاب را به شکل قیاس استثنایی بیان می کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۸۲). آیه ۸۲ عداوت یهود و مودت نصارا را بیان می کند. پس از لعن و دورباش کفر پیشگامان و علمای ریاکار از زبان داوود و عیسی آیه ۸۲ نمونه ای از این قوم پیامبرکش و معاصر رسول اکرم (ص) را نشان می دهد که چگونه پیمان با آن حضرت را نقض کردند و با سخت ترین دشمنان مسلمانان یعنی مشرکان هم پیمان شدند.

مفاد آیه ۸۳ و ۸۴ تتمه دلایل نزدیکی مسیحیان با مسلمانان است که در آیه ۸۲ مطرح است. آیه ۸۵ پاداش مسیحیان نیکوکار را بیان می کند (همو). و آیه ۸۶ بنابر سنت قرآن کریم که جمع بین تبشیر و انذار، وعد و وعید است جزای گناهکارانی را بیان می کند که به خدا کفر ورزیدند و آیات الهی را تکذیب نمودند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۵).

در این آیات محور بحث این است که از تفریط و افراط نهی می کند؛ هم در مسائل اعتقادی و هم در مسائل رفتاری. آیات ۷۸ تا ۸۱ دلیل اصلی تبعیت از گذشتگان را عدم ایمان به خدا و رسولش و آن چه بر او نازل شده بیان می کند. بنابراین غرض آیات این گونه خواهد بود: عدم ایمان حقیقی به خدا و رسول و آن چه بر او نازل شده، علت تولی اهل کتاب از گذشتگان کافرشان؛ به بیان دیگر نقد افراط و تفریط اعتقادی و رفتاری اهل کتاب.

۱۴. آیات ۸۷ تا ۱۲۰

۱-۱۴. آیات ۸۷ تا ۱۰۸

کلام با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» آغاز شده و تکرار هفتمین بار این خطاب نشان دهنده ادامه سیاق است، خصوصاً که محتوای این خطاب ها هم درباره احکام و دستوراتی است که به مؤمنان داده می شود، فلذا اتصال آیات به یکدیگر کاملاً واضح است.

دو آیه اول، طیبات و حلال های الهی را ذکر می کند و از حرام کردن حلال های الهی نهی می کند و به مناسبت آن، احکام قسم خوردن را که در آن آیه بکار رفته بیان می کند و در ادامه احکام خمر و میسر را بیان می کند. و بعد به ذکر احکام صید در احرام می پردازد و حکم بحیره و سائبه و... را ذکر کرده و قول کافران را تکذیب می نماید و در آخر به تقوی و احکام وصیت اشاره می کند و کلام را خاتمه می دهد. بنابراین محور این آیات احکام الهی و لزوم

اجرا و عمل به آن می باشد. با توجه به این که در آیه ۹۲ فرمود که مؤمنان باید از خدا و رسولش اطاعت بکنند، معلوم می شود که مؤمنان باید احکام الهی را از رسول خدا دریافت نموده و طبق رهنمودهای ایشان عمل نمایند. بنابراین غرض این کلام را این گونه می توان عنوان نمود: دعوت مؤمنان در جهت عمل به احکام طبق بیان رسول اکرم (ص).

۲-۱۴. آیات ۱۰۹ تا ۱۲۰

از آیه ۱۰۹ وارد فضای قیامت می شود و در انتهای آیه عبارت «انت علام الغیوب» می آید. سپس آیات در همین فضا ادامه می یابند، بخصوص در آیه ۱۱۹ با عبارت «هذا يوم ينفع الصادقين» اشاره به همین فضا دارد. تکرار عبارت «انت علام الغیوب» در آیه ۱۱۶ نیز دلیل بر پیوستگی این آیه با مجموعه بعد می باشد.

آیه ۱۰۹ سرفصل مجموعه ای از آیات پسین است (فخررازی، ۴۲۰، ج ۱۲، ص ۱۲۹) و طبرسی، این احتمال را بیان کرده اند (مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۰۲). زیرا هر جا قرآن کریم بخواهد بخشی را جداگانه یاد کند، نخست سرفصل آن را ذکر و سپس زیرمجموعه آن را شرح می کند. بر این اساس، آیه «يوم يجمع الله الرسل...» سرفصل قصه حضرت عیسی (ع) و سوال و جواب جزئی و کلی از وی درباره توحید و شرک است.

در آیات بعد، خداوند تصویری از پاسخ بنی اسرائیل به حضرت عیسی (ع) را در برابر آن همه نعمات و معجزات و ولایت تکوینی و تشریحی به عنوان نمونه ارائه می دهد تا درسی باشد برای انسان ها در برابر دعوت پیامبر اکرم (ص) و نعمت اسلام و ولایت (بی آزارشیرازی و حجتی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۲۳).

برای آیه ۱۰۹ جوابی در آیات ۱۱۶ تا ۱۲۰ می آید که از رسولان الهی سوال می شود که مردم را چگونه اجابت کردند و بیان شد که بعضی از مردم برخلاف رهنمودهای پیامبران، عمل کرده و منحرف شده اند؛ یعنی پیامبران به رسالت الهی خویش عمل کرده اند. در آیات ۱۱۰ تا ۱۱۵ خداوند به کارهایی که برای هدایت مردم کرده است اشاره دارد؛ به این که رسولان الهی را با معجزات برای هدایت مردم فرستاده و حتی بعضی معجزات درخواستی آنان را نیز اجابت نموده تا آنان هدایت شوند. بنابراین غرض این آیات این گونه است: امانت داری کامل پیامبران در ابلاغ پیام الهی و کوتاهی مردم در حفظ آن باعث تحریف شده است (ویا هشدار نسبت به تحریف آن). بنابراین با استناد به فضای نزول سوره، منظور از «پیمان» را باید مصداق «والله والله في الجهاد بأموالكم و ألسنتكم في سبيل الله»، دانست. جهادی که برای حضور در میدان های نبرد باید متکی به ایمان عملی باشد. بهره مندی درست از ایمان و تنها راه رسیدن به سعادت در رهین ولایت پذیری امکان پذیر است؛ چرا که ملت ها زمانی دچار انحراف و انحطاط می شوند که از تحت ولایت الهی و جانشینان آن خارج شوند. به دیگر عبارت «جهاد» در این سوره همان دفاع از حریم ولایت و پذیرش آن و عمل بدون تردید، به دستورات ولی می باشد.

نتیجه گیری

مطلع سخن در سوره مائده معطوف به مسلمانان و مریض القلب ها در وفای به عهد و عمل به پیمان هاست؛ موضوعی که فضای نزول سوره مائده، با شیوع عهدشکنی های مسلمانان در جامعه ی اسلامی بر آن صحه گذاشته

است. مترتب بر موضوع، با ذکر نمونه‌هایی از پیمان شکنی یهودیان و اهل کتاب و دوری آن‌ها از ولایت، قصد متنبه ساختن مسلمانان نسبت به عمل شنیع اهل کتاب را دارد و از مسلمانان و مریض‌القلب‌ها خواسته شده که از پیمان شکنان اهل کتاب دوری گزیده و قدر نعمت ولایت را که در سایه‌ی نبوت حضرت محمد (ص) نصیب‌شان گشته، بدانند.

در ادامه، سوره مائده صحنه‌ای است از تلاش‌های عملی پیامبر (ص) در اواخر عمر مبارک‌شان برای پیوند زدن اسلام به سنت زوال‌ناپذیر ولایت؛ چرا که ولایت به عنوان تالی‌تولو نبوت، تضمین‌گر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه‌ی بشری است. بنابراین، وفای به عهد و پیروی از پیمان ولایت، میثاقی است استوار که از یک رابطه‌ی دوسویه در بین خداوند و جامعه‌ی اسلامی حکایت دارد. بنابراین هر چه جامعه‌ی اسلامی نسبت به این عهد و پیمان راسخ‌تر باشد، از تقوای بالایی برخوردار است و به میزانی که از پیمان ولایت دور باشند از تقوای پایینی برخوردار می‌باشند. در نتیجه یکی از مهمترین عوامل حاکم بر پیمان شکنی جامعه‌ی اسلامی و دوری‌گزیدن آن‌ها از وصیت الهی ولایت را باید منبعث از پیمان شکنی‌های اهل کتاب و به ویژه یهود دانست که آن سنت اشتباه را با خود به جامعه‌ی اسلامی تزریق ساخته و با نهادینه ساختن آن، زمینه‌ی انحرافات فکری، عقیدتی و اجتماعی را در جامعه‌ی اسلامی فراهم ساخته و با این حربه‌ی نرم توانستند به توطئه‌های شوم خویش در جامعه‌ی اسلامی جامه‌ی عمل بپوشانند.

در توطئه‌چینی نسبت به مقوله‌ی ولایت، علاوه بر اهل کتاب، منافقان نیز نقش اساسی داشتند و مترتب بر همین مهم، حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه با قرائت آیه ۵۰ سوره مائده که در حمایت از ولایت حضرت علی (ع) قرائت گردید بار دیگر مصداق نگرانی پیامبر (ص) را که در آیه ۳ و ۶۷ سوره مائده آمده را به پیمان شکنان غدیر گوشزد نموده و تشریح فرمودند که چگونه پیمان شکنان ولایت، جامعه‌ی اسلامی را از مسیر اصلی منحرف ساختند.

همچنین نگارنده به این نتیجه رسیده که با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر مدینه، ذکر خوراکی‌های حلال و احکام خمر و میسر در کنار آیات ولایت، دلالت بر این موضوع دارد که مؤمنان باید همه‌ی احکام را از مسیر خدا و رسولش دریافت کنند؛ چرا که بهترین رهنمود را در عرصه‌های دنیوی، اعم از: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخروی برای بشر به ارمغان می‌آورند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک بن هشام (۱۳۷۵ش). السیره النبویه. ترجمه هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۲ش). نظم قرآن. تهران: قلم.

- بخاری، محمد (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، حجتی، محمدباقر (۱۳۷۲ش). تفسیر کاشف. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
- رضا، محمد (۱۴۱۴ق). المنار. بیروت: دارالمعرفه.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة و المنهج. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- سید قطب (۱۴۱۵ق). التصوير الفنی فی القرآن. بیروت: دارالشروق.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۰ق). الامالی او المجالس. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). تفسیر المیزان. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی التفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، م. حمدبن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸ش). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹ش). اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- متقی هندی، علی بن حسام (۱۴۰۵ق). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷ش). تفسیر هدایت. ترجمه احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس.